

جذاب میکند و اگر او را افرام لبید ناخا به قبیل عرب رود
و اینها را با خود منفق سازد و قصدش کند ابو جهل گفت و اسه
که مرزایی نیاورد و شما آن می دارید گفتند بیان کن گفت
از قبیله جواری چهل حکم نسیب فراگیریم و هر یک را ششتری
پوشیم و هر یک را او را به ششتری زنند و از وی خلاص یابم و سخن
او در قیام شرفی شود و بنوعی مناف را طافه نماید
با حد نباشد و بدو را ضعیف شود شرح بخدی گفت دلی نیست
و غیر این نه و بیان اتفاق کرده برخواستند و هر سال جزیره
رسالت صلوات الله و سلامه علیه را در وقت اعتدال در هوا
خود مایش و بجای دیگر رود و سخن کاه کاه بر رخا نه او هم
شدند و چهره قوی یافت علی را از خود تا بر غول کاه او سب
گذاشت و زوی با مال افکن آن حضرت بود بروی راست
که فرمود که بخیز بایش هیچ کوهی نتوانست و علی همچنان
شک گذاشت و پیغمبر علیه السلام و السلام به غار رفت
و در آن کوه آن شب تا در آنجا نماند و بگریه در آنجا
که حضرت رسالت علیه الصلوات و السلام در خانه است و با در
گردد بر سر رفتند و علی رضی الله عنده را دیدند و تدبیر ایشان
خوابش شد و گفتند هر گاه است گفت می و این پس او را
بگریه و در عقب وی رفتند همچون کعبه قوی را با او گذاشتند

تو در کرد ما مشاهیر تمام با نیز کرد داشت و در رجب آن سال
نخاستی و عاقبت کرد و نام او از صحیح بود و آن نخاستی بود و مسلمان
بغیر وی کرده بودند و مسلمان شد و آنجا که قبلی او بفرماند
و در مسلمانان هر چند تا ستر کرد و پیغمبر صلی الله علیه و سلم
خبر و عاقبت او به مسلمانان داد و با اصحاب به محلی رفت و باز
عاید بجهاد تبلیغی بود که از در و سخنها به از عینت وی صفت شدند
الغایب نقل کرده اند که گفت خبر چنان رسید که همیشه
روشن بخاستی و در نایمان بود و در شعبان آن سال ام کلثوم
بنت رسول الله صلی الله علیه و سلم و فاطمه با خدمت و اول زن
عشیره من این لقب بود و چون آن بنت بدای این لقب نازل
شد ابو لهب به سر رفت سر من بر سر تو حرام است اگر حضرت
هم را طلاق بخدی و در غول تا کوف او را طلاق داد و در کله با
رسول صلی الله علیه و سلم بود و همچو تا پهرینه کرد و چون رفت
زن شمالی و فاطمه کرد در ریح الاول یوم سال از نجی در کتاف
عنان رفت و در جای وی الاقر زفاف ساختند و در شعبان آن
سال وفات کرده و آنجا بنت حمیس و صغیر بنت عبدالمطلب
و ام عطیه او را غسل کردند و او را در قبر او رفتند و در آن سال
عبدالمعز بن نهم بن عقیف ذوالبجایین وفات کرد و فلسط
ذوالبجایین از آل نهم زخمی بود و در او را و در آنجا وی شد